

دفتری پراز خاطره

چگونه خاطره‌ها و تجربه‌های خود را بنویسیم؟

ناصر نادری

اشاره

در نگاه عمیق و معنادار امام‌علی (علیه‌السلام)، گذر عمر به گذر ابرهای آسمان تشبیه شده است و وجه شبه آن، به جز شتابزدگی گذر عمر، رخ دادن حالات نو و شکل‌های متنوع و رخداد‌های زمانه را نیز تداعی می‌کند. ابرها در آسمان به اشکال گوناگون و بدیع درمی‌آیند، چشم‌ها را به خود خیره می‌کنند و انسان را به خیال‌پردازی می‌خوانند.

همه‌ی انسان‌ها در زندگی کم و بیش صحنه‌ها و حوادث و حالات شیرین و تلخی را از نزدیک مشاهده و تجربه می‌کنند که بیان زبانی یا نوشتاری آن برایشان لذت‌بخش است. دنیای پر رمز و راز تعلیم و تربیت نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ دنیایی که مملو از خاطره‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی به یادماندنی است و نوشتن درباره‌ی آن، علاوه بر التذاذ شخصی برای نویسنده، به انتقال تجربه‌های آموزنده و بهبود کیفیت آموزش و یادگیری منجر می‌شود. و این یعنی همان نوع ادبی «خاطره‌نویسی» که در این شماره، به پاره‌ای از رموز نوشتن آن پرداخته‌ایم.

واژه‌ی «خاطره» در چند فرهنگ‌نامه

لغت‌نامه‌ی دهخدا:

- اموری که به شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن او مانده باشد؛
- وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است.

فرهنگ بزرگ سخن:

- اتفاقاتی که در گذشته روی داده و در یاد شخص باقی مانده است.

فرهنگ عمید:

- ضمیر، اندیشه، خیال، یادبود، یادگار، آنچه بر کسی گذشته و اثری از آن در ذهنش مانده باشد.

ویژگی‌های خاطره

- در حافظه‌ی فرد حفظ می‌شود و بر ذهن او تأثیر می‌گذارد.
- در بردارنده‌ی حادثه، صحنه یا حالتی برجسته و به یادماندنی است.
- زمان و مکان مشخصی دارد.
- یادی از گذشته را در برمی‌گیرد.
- موجز و کوتاه است.
- تجربه‌ی شخصی است و رنگ و بویی از احساس و عاطفه‌ی فرد دارد.
- روشنی و وضوح دارد.
- به مشاهده و حضور فرد وابسته است.
- ذهن و عاطفه را توأمان تحریک می‌کند.
- با زبان صمیمی و بیان صادقانه گفته یا نوشته می‌شود.
- از خیال به شکل محدود استفاده می‌کند.
- در ذهن شکل می‌گیرد، سپس تداعی می‌شود و به یاد می‌آید.

اهمیت خاطره‌نویسی

خاطره‌نویسی در کنار «زندگی‌نامه‌ی خودنوشت» (اتوبیوگرافی)، نامه‌نگاری، سفرنامه، یادداشت‌های روزانه و... یکی از شیوه‌های «از خود نوشتن» است. این قالب و نوع نوشتن را، عام‌ترین و راحت‌ترین نوع نوشتن می‌دانند.

خاطره‌نویسی به دو شکل «رسمی»، مانند خاطرات سیاسی دولتمردان، و غالباً «غیررسمی» است. بدیهی است، بسیاری از خاطرات شخصی مانند عکس‌های خانوادگی، فقط برای خود شخص و نزدیکانش جالب است. اگر نویسنده‌ی خاطره، صاحب شخصیت و منزلت ادبی، سیاسی، اجتماعی و... باشد، معمولاً نوشته‌هایش «ارزش‌نشر» پیدا می‌کنند.

تفاوت خاطره‌نویسی با قالب‌های نوشتاری دیگر

- نوع بیان و کلام خاطره، صمیمی و راحت و غیررسمی (خودمانی) است، در حالی که در گزارش‌نویسی و مقاله‌نویسی، نوع بیان مستقیم و صریح و رسمی است.
- جزئی‌نگری و انتقال احساس و عاطفه در گزارش و مقاله‌نویسی نقشی ندارد، در حالی که در خاطره‌نویسی وجود دارد.
- خاطره مثل داستان از لحظه‌های برجسته‌ی زندگی الهام می‌گیرد، اما کاملاً وام‌دار «واقعیت» است. در حالی که در داستان، واقعیت یا با خیال آمیخته است یا فقط زائیده‌ی تخیل نویسنده است.
- در خاطره، حوادث سیر تقویمی و خطی خود را طی می‌کنند، ولی در داستان، برای تعلیق (کشش)، جابه‌جا می‌شوند.
- سفرنامه و خاطره شباهت زیادی با هم دارند، ولی در عین حال، هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند. میان این دو قالب، رابطه‌ی «عموم و خصوص من وجه» وجود دارد؛ یعنی برخی خاطرات در قالب سفرنامه می‌آیند، ولی برخی خاطرات به سفرنامه ربط ندارند. در ضمن، برخی حوادث در سفرنامه برجستگی خاطره را ندارند.
- خاطره‌نویسی به‌صورت «زندگی‌نامه‌ی خودنوشت» نیز با خاطره‌نویسی معمولی فرق می‌کند، زیرا نویسنده‌ی زندگی‌نامه‌ی خودنوشت در نوشتن بر خود رو به رشد خویش تأکید ندارد، بلکه نکته‌ی آن درباره‌ی انسان‌هایی است که با آن‌ها برخورد داشته یا بر حوادثی است که نویسنده مشاهده کرده و یا در آن‌ها نقش ایفا کرده است.
- خاطره‌نویسی و یادداشت‌های روزانه، از برخی جهات شبیه هم هستند، اما از یکدیگر متمایزند. یادداشت روزانه از خاطره‌نویسی عمومی‌تر است و شامل یادداشت‌های غیرخاطره‌ای از زندگی خصوصی، وقایع‌نگاری و ... می‌شود.
- خاطره‌نویسی از وقایع‌نگاری نیز متفاوت است؛ چرا که وقایع‌نگار حوادث را متوالی و پیاپی روایت می‌کند و خاطره تا جایی برایش ارزش استفاده دارد که «سندیت» داشته باشد و به کار تاریخ‌نگاری بیاید.



معلمان با نوشتن خاطره:

- علاوه بر افزایش مهارت نوشتن، دقت نظر و حساسیت‌های خود را آشکار می‌کنند.
 - بر وسعت پردازش ذهنی و تأملات خود می‌افزایند.
 - خود را صاحب بینش آموزشی و پرورشی عمیق می‌کنند.
 - به ظرافت و لطایف دنیای شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت می‌افزایند.
- ### دیگر فایده‌های خاطره نوشتن عبارتند از:
- شاید خاطرات تجدید نظر و اصلاح برخی سیاست‌های آموزشی و تربیتی را در پی داشته باشد.
 - فیلسوفان و اندیشمندان جامعه را به تکاپوی علمی جدی وامی‌دارد.
 - هنرمندان و ادیبان را به خلق آثار هنری در زمینه‌ی سینما و رمان و ... وامی‌دارد.
 - زمینه‌ی تحلیل واقع‌بینانه‌تر جامعه‌شناسان آموزشی و برنامه‌ریزان کلان کشور را فراهم می‌کند.
 - از نظر صاحب‌نظران، اغلب خاطره‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی معلمان، ارزش و اعتباری بالاتر از یافته‌های نظری صرف دارند، چرا که این خاطره‌ها و تجربه‌ها برخاسته از متن روابط پیچیده و لایه‌های عاطفه، ذهن، زبان و تفکر معلمان، با شخصیت‌های سیال و رازگونه‌ی دانش‌آموزان هستند که در برخی موارد هیچ قاعده‌ی ثابت و فرمول از پیش تعیین‌شده‌ای را برنمی‌تابند.

یک نکته‌ی طلایی



گاهی خاطره‌های نویسنده‌گان پرارزش‌ترین اثر به جا مانده از آنان است. البته خاطره‌ها برای کسب ارزش ادبی باید دستچین و تلطیف و آراسته شوند. در رمان «خانواده‌ی تینو» نوشته‌ی **روزبه مارتن دوگار**، ترجمه‌ی **ابوالحسن نجفی**، قهرمان رمان پزشک جوانی است که در یکی از جبهه‌های جنگ بین‌المللی اول دچار عوارض ناشی از نبرد شیمیایی شده و حالات و وقایع روزهایی را که در بیمارستان بستری بوده، در شکل یادداشت‌های روزانه ثبت کرده است.

در بین آثار خاطره‌نویسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کتاب «سفر جنوب»، شرح خاطره‌ها و یادداشت‌های روزانه‌ی نویسنده و معلم شهید **حبیب غنی پور** است. وی در خلق داستان‌های کوتاه خود، از این خاطره‌ها الهام گرفته است.

درباره‌ی مطالعه‌ی کتاب «کلاسی از جنس واقعه» از **محمد رضانیستانی**، و کتاب «به اجاق‌ت قسم»، (خاطرات معلم بزرگ، محمد بهمن بیگی) در زمینه‌ی خاطره‌نویسی توصیه می‌شود.



عکس تزئینی است

خاطره بخوانیم

• خاطره‌ای از استاد غلامحسین شکوهی؛ نویسنده و معلم پیشکسوت

ارتفاع درخت سنجد

«در منطقه‌ی محرومی که بزرگ شدم و در آنجا درس هم دادم، همیشه استعدادهای درخشانی وجود داشته است. در ۱۲ کیلومتری خوسف، روستایی بود که مدرسه نداشت. بچه‌ها صبح ۱۲ کیلومتر پای پیاده به مدرسه می‌آمدند و عصر برمی‌گشتند.

دانش‌آموزی داشتم که کلاس پنجم یا ششم ابتدایی بود و هر مسئله‌ای را می‌دادم حل می‌کرد. از ۱۲ کیلومتری خوسف می‌آمد و برمی‌گشت. این دانش‌آموز مرا بیچاره کرده بود! هر سوالی که می‌پرسیدم، جواب می‌داد و هر مسئله که می‌دادم حل می‌کرد.

یک روز به نظر خودم مسئله‌ی مشکلی طرح کردم. دوران آغاز معلمی من بود. آن زمان با خود می‌گفتم، نمی‌شود که من هر چه از این دانش‌آموز می‌پرسم، بلد باشد. پس ما اینجا چه کاره‌ایم؟

به دانش‌آموزان گفتم بروید ارتفاع درخت سنجد وسط مدرسه را حساب کنید و منظورم فقط او بود. می‌دانستم که این بار دیگر نخواهد توانست پاسخ پرشتم را بدهد.

شبه وقتی به کلاس آمدم، پیروزمندان دست بر جیب نهادم و سینه جلو بردم و مطمئن بودم که هیچ یک از دانش‌آموزان نتوانسته‌اند به پرشتم پاسخ دهند. نگاهم را از دانش‌آموز مورد نظر دزدیدم و رو به بچه‌های دیگر گفتم: «لطفاً تکالیفشان را روی میز بگذارید.»

همه سر پایین انداختند. کسی جواب نداده بود، به جز همان دانش‌آموز.

او روز جمعه ۱۲ کیلومتر را طی کرده و به مدرسه آمده بود و یک چوب دو متری هم با خود آورده بود. طول سایه‌ی آن چوب را اندازه گرفته و طول سایه‌ی درخت سنجد را هم اندازه‌گیری کرده بود و با یک تناسب که دو متر ارتفاع، این قدر سایه دارد و این قدر سایه چه مقدار ارتفاع دارد، طول درخت را محاسبه کرده بود.

اسم این پسر **غلامحسین حقداد** بود. بچه‌ها را اگر بگذاریم و اگر به همه‌ی آن‌ها فرصت شکفتن بدهیم، می‌توانند به کمک تعلیم و تربیت غوغا کنند. عاقبت این نابغه چه شد؟ از دبستان به راهنمایی رفت، اما وضع خانوادگی‌اش اجازه نداد بیش از راهنمایی درس بخواند.

بیرجندی‌های مقیم تهران یک انجمن دارند که ماهی یک‌بار دور هم جمع می‌شوند. سال‌ها بعد در این انجمن، سه دانشجوی بیرجندی که یکی در رشته‌ی طب درس می‌خواند، یکی الکترونیک و دیگری نمی‌دانم چه، خودشان را معرفی کردند. معلوم شد این‌ها بچه‌های همان دانش‌آموز نابغه هستند که برای آمدن به مدرسه، روزی ۲۴ کیلومتر پیاده راه می‌رفت.

بچه‌ها استعدادها و خلاقیت‌های نهفته دارند که گاهی ما معلم‌های بی‌تجربه، با ندانم‌کاری، آن‌ها را در نطفه خفه می‌کنیم. به آن مسافرخانه‌دار اسطوره‌ای^۱ می‌مانیم که آدم‌ها را می‌گرفت و آن‌ها را روی تخت‌خواب قرار می‌داد، هر که از آن تخت بزرگ‌تر بود، پایش را قطع می‌کرد و هر که از تخت کوچک‌تر بود، آنقدر می‌کشید تا قد تخت شود.

پی‌نوشت

۱. اشاره است به اسطوره‌ی پروکروستیس، مهمان‌خانه‌دار در اسطوره‌های یونان باستان.
۲. نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۳) کلاس از جنس واقعه، نشر آموخته، اصفهان